

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين

حدیث اخلاقی هفته؛ آفات هوای نفس برای عالم

خداوند متعال در آیه 118 سوره مبارکه انعام می‌فرماید «فَكُلُوا مِمَّا ذُكِّرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنْ كُنْتُمْ بِآيَاتِهِ مُؤْمِنِينَ». در آیه بعد هم می‌فرماید «وَمَا لَكُمْ أَلَّا تَأْكُلُوا مِمَّا ذُكِّرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ قَدْ فَصَّلَ لَكُمْ مَا حَرَّمَ عَلَيْكُمْ إِلَّا مَا اضْطُرِرْتُمْ إِلَيْهِ وَإِنَّ كَثِيرًا لَيُضِلُّونَ بِأَهْوَائِهِمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ إِنْ رَبُّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُعْتَدِينَ».

خداوند متعال در آیه ابتدائی می‌فرماید از حیوانی که موقع ذبح نام خدا بر او برده می‌شود بخورید و استفاده کنید و در آیه بعد می‌فرماید چرا گاهی از حیوانی که در هنگام ذبح اسم خدا بر او برده شده‌است اجتناب می‌کنید او را بر خودتان حرام می‌دانید و نمی‌خورید در حالیکه خدای تبارک و تعالی گوشت و خوردنی‌های حرام را برای شما به تفصیل بیان فرموده‌است که مراد آیه 115 سوره نحل است.

عمده این قسمت که می‌فرماید اگر به گوشتی اضطراب پیدا کردید ولو اسم خدا بر او پیدا نشده استفاده کنید. بعد می‌فرماید کثیری از عالمان یهود و نصاری مردم را به سبب هوی و هوس‌شان گمراه می‌کنند. این مطلب بعد از آن است که فرمود چرا حکم خدا را تغییر می‌دهید.

این آیه برای ما طلبه‌ها، برای آنهایی که در مسیر استنباط و اجتهاد هستند و الآن می‌بینیم در زمان ما متأسفانه این «لَيُضِلُّونَ بِأَهْوَائِهِمْ» زیاد می‌شود.

خدای تبارک و تعالی صریح در قرآن مسئله حجاب را فرموده‌است یک روحانی که ادعا دارد تحصیلات فقهی و اصولی دارد صریحاً می‌گوید حجاب مربوط به شرایط آن زمان است. کجای آیات قرآن دارد که مربوط به شرایط آن زمان است؟ نه تنها راجع به حجاب می‌گوید مع الأسف راجع به همه احکام گفته است.

وقتی انسان وقتی این حرف‌ها را می‌شنود بدنش می‌لرزد چطور آدم می‌تواند در مقابل خدای تبارک و تعالی چنین حرفهایی را بزند. ما چکاره هستیم که حکم خدا را این‌طور خراب کنیم؟ این غیر از هوی و هوس هیچی نیست.

سرّ این‌که کسی حلالی را حرام و حرامی را حلال می‌کند این است که واقعاً یک اجتهاد عمیق دقیق کرده از زمان شیخ طوسی و سید مرتضی و حلبی و ... آنها هیچ نفهمیدند و بعد از هزار سال تازه حالا این طلبه فهمیده که این احکام همه‌اش مربوط به شرایط زمان خودش است. اینکه عرض می‌کنم خوب دقت کنید اینها دردهایی علمی است که در درون انسان وجود دارد.

یک وقت از یکی از افرادی که بالأخره در همین مسیر مباحث فقهی و اصولی است در یک مقاله‌ای خواندم، می‌گوید احکامی که در اسلام آمده‌است روی قانون عبید و اماء آمده، یعنی به همین سنجی که عبدی دارد، این عبد چه وظایفی در مقابل آن مولا دارد؟ بعد می‌آید آن تعبیری که در قرآن راجع به عبد ذکر می‌شود، عبداً ممولکاً لا یقدر علی شیء را به میدان می‌آورد و می‌گوید این احکام بر اساس اینها جعل شده، ما اگر دین را اینطوری به جامعه معرفی کنیم این چه دینی شد؟ این دین 20 ساله بوده؟ چون همان آقای اول می‌گوید ببینید احکام در مدت 20 سال حیات رسول خدا(ص) بعضی هایش نسخ شد پس معلوم می‌شود که هر حکمی عملی دارد، این‌که اگر در میان هزار حکم پنج تا، آن هم بین عامه و خاصه اختلاف است. خدا رحمت کند مرحوم آیت الله خوئی (رضوان الله علیه) را که در کتاب البیان 135 مورد از مواردی که علمای عامه گفته‌اند آیات قرآن نسخ شده که همه‌اش نسخ در احکام است ایشان آمده جواب داده اینها اصلاً نسخ نشده.

حالا ما بگوئیم در میان این احکام چند مورد نسخ شده و بعد بگوئیم پس کل حکم یفسخ، کل حکم له عمل، حتی حجاب، چون در همان مصاحبه سؤال کننده می‌پرسد و برای او هم جای تعجب داشته یک زنی هست که سؤال می‌کند، اینکه شما می‌گوئید حتی حجاب؟ می‌گوید بله حتی حجاب. یعنی این حجابی که امروز سر زن‌های مسلمان ما هست اینها مال شرایط آن زمان بوده.

یک وقتی در دو سه دهه قبل افرادی آمدند این ته مانده‌های حرفهای فلاسفه غربی را به حوزه آوردند و بر اساس علم هرمنوتیک، تفسیر متن، یک مطالبی را مطرح کردند و دنبال این بودند که هر آیه‌ای، هر روایتی با توجه به شرایط زمان خودش، با توجه به خصوصیات زمان خودش فقط مخاطب زمان خودش می‌فهمد، اصلاً به طور کلی خواستند قرآن و روایات را از تفهیم ساقط کنند که قابلیت رجوع برای من و شما را نداشته باشد. حالا هم به یک نحو دیگری به این صورت مطرح می‌شود، خیلی مراقب باشید.

مراقب باشیم که احکام خدا را ملعبه قرار ندهیم، حکم خدا هر آن‌چه که با استنباط به آن رسیدیم با جرأت بیان کنیم، اگر استنباط دقیق داریم، اگر اهل استنباط هستیم، اما از خودمان چیزی نگذاریم. حالا من بگویم این احکام همه مربوط به شرایط زمان خودش بوده این حرف از کجا آمده؟ خدا فرموده؟ خدا فرموده هر 20 سالی عالمان و عقلای آن زمان بیایند در هر 20 الی 30 سالی تشخیص بدهند شرایط عوض شد احکام عوض شود!!

صوفیه با همین فکر به وجود آمد، گفتند بالأخره این نماز و روزه مال شروع اسلام بوده، اسلام ریشه‌دار شد و ما همه به دین پیامبر معتقد هستیم و نیازی نیست که اینها را بخوانیم، حالا البته توجیهات باطل دیگری هم دارند ولی یکی از ریشه‌های همین بود، این جور بازی کردن با احکام نتیجه‌اش از لیبرال مسلکی به مراتب بدتر می‌شود. لیبرال‌ها می‌گویند ما اصلاً دینی نداریم، شریعتی نداریم، هر کسی در هر زمانی انسان اصل است و اومانیزم اصالت مکتب لیبرالیسم است، من هم از این تعابیر خوشم نمی‌آید که تکرار کنیم! ولی اینها می‌گویند انسان اصل است، آزادی دارد، کرامت هم دارد، هر چه دلش می‌خواهد، هر کاری می‌خواهد بکند. ولی شما می‌آئید هر 20 سال یک بار دست و پای این انسان را به یک قیودی می‌بندید رهایش کنید چه نیاز به دین وجود دارید، چه نیازی به پیامبر دارد، چه نیازی به قرآن بود؟ یعنی قرآن مال 20 سال است، روایات ائمه مال 20 سال است؟ بعد هم که انسان اعتراض می‌کند پیغام می‌دهند که حرف‌ها تقطیع شده.

من عرض می‌کنم خیلی مراقب باشید، زمانه خیلی زمانه‌ی عجیبی است، شیطان می‌آید سراغ من و شما که خلاصه سر سفره احکام خدا نشستیم و به انسان وَر می‌رود که این حکم را به نحوی خرابش کن، سال‌هاست یک گروهی از فمنیست‌ها اینهایی که دنبال برابری زن و مرد در همه امور هستند، دنبال این هستند که از همین حوزه فتوی بگیرند بر این‌که حجاب واجب نیست، دنبال این مسئله هستند، دارند به نتیجه می‌رسند. چطور دارند کار می‌کنند روی افراد؟ قطعاً کار می‌کنند.

من این خبر را برای شما عرض کنم؛ یکی از مسئولین امنیتی برای من می‌گفت این اواخر در قم یک خانم بسیار محجبه‌ای را

دستگیر کردیم به جرم جاسوسی، این فقط در قم کارش این بوده که با افرادی که به حسب ظاهر یک تواندیشی‌هایی دارند، اسلام حکومت ندارد، اسلام ولایت فقیه ندارد، اسلام کاری ندارد به این‌که کجا ظلم می‌شود، با اسرائیل کاری ندارد! نزدیک بشود به این افراد و اینها را ترغیب کند از راه مسائل علمی، این بحث خیلی خوبی است شما نظریه پرداز مهمی هستید و خیلی حرف جدیدی می‌زنید، انکار کردن که کاری ندارد، امروز صبح آدم بگوید نه حلالی داریم نعوذ بالله و نه حرامی داریم، همه را انکار کند! امروز آدم بگوید این همه کتاب فقهی، اصولی، این همه تراش عظیم و سرمایه اصلی حوزه‌ها را بگوئیم همه اینها باطل است، اینکه کاری ندارد. خیلی باید مراقب باشیم.

خدای تبارک و تعالی یک عنایتی به هر طلبه‌ای کرده، دست او را گرفته و به حوزه آورده ولی اگر انسان مراقبت نکند اینقدر سقوط می‌کند که اصلاً سقوطش با سقوط انسان عامی قابل مقایسه نیست، عامی وقتی سقوط می‌کند خودش ساقط می‌شود و به چیزی ضربه نمی‌زند. ممکن است یک حرف من طلبه کما اینکه الآن همینطور است و این شده، آمدند و سوسه کردند طلبه‌ها که این کتاب‌ها به درد نمی‌خورد! همین‌ها که امروز می‌گویند لباس روحانیت کذا است که من گفتم باید بر این حوزه تأسف خورد که در حوزه علمیه برای این لباس مناظره علمی بگذارند! پس فردا هم مناظره بگذارید که اسلام حق است یا مسیحیت؟! بگوئید بعید نیست مسیحیت حق باشد. پس فردا بگوئید کفر لعل حق باشد. این چه حرف‌هایی است؟! کجای این لباس جای مناظره علمی دارد، یک خیالاتی برای خودشان درست می‌کنند بعد هم می‌گویند یک عده‌ای از ما تشکر کردند، البته التزام به این لباس مشکل است، البته رعایت شئون این لباس مشکل است اما این همه برکاتی که بزرگان ما از همین لباس داشتند.

در روایات دارد نماز معمماً ثوابش دو برابر نماز غیر معمم است، این را چکار کنیم؟ بگوئیم اگر در حال نماز عمامه گذاشتید مردم تنفر دارند آن را بردارید، میت را معمم تجهیز کنید بگوئید مردم تنفر دارند آن را بردارید، این چه حرف‌های باطلی است؟

اول آمدند گفتند روش اصولی شیخ را تخطئه کنیم، بعد گفتند رسائل به درد نمی‌خورد، مکاسب به درد نمی‌خورد، بعد گفتند اصلاً این اجتهاد صاحب جواهر و همه اینها به درد نمی‌خورد. کسی که می‌گوید این اجتهاد غلط است تمام این تقلیدها را باطل می‌داند، تمام تقلیدهایی که امروز مردم از رهبری و مراجع می‌کنند و شما طلبه‌ها می‌کنید همه را باید باطل بدانند! قرآن که می‌خواندم به این آیه که رسیدم یادداشت کردم که تکرار کنم و إِنَّ كَثِيرًا لَّيُضِلُّونَ بِأَهْوَاءِهِمْ همه‌اش اهواست، این همه مطالب قوی فقهی اصولی که خود شما می‌بینید چقدر اینها آثار دارد، بگوئیم همه اینها باطل است.

البته وقتی این روش اجتهادی صاحب جواهر و شیخ انصاری را کنار بگذاریم، امام چه فرمود؟ آقایان مدعی هستند که پیرو امام هستند امام فرمود اگر فقه جواهری را از حوزه بگیرید انقلاب از بین می‌رود، این چه ارتباطی بین صدر و ذیل است؟ یک وقت می‌گوئیم اگر فقه جواهری را گرفتید اجتهاد حقیقی از بین می‌رود، می‌فرماید اگر فقه جواهری از بین برود انقلاب از بین خواهد رفت، این را امام فرمودند مکرر هم فرمودند در یک جلسه‌ای که شورای... چون حرف که می‌زنیم می‌گویند سندش کو و این حرف درست نیست! آنها که همه چیز را انکار می‌کنند این مسائل را هم به راحتی انکار می‌کنند.

در یک جلسه‌ای که آن زمانی که مرحوم والد ما ریاست شورای عالی حوزه را ده سال در زمان امام داشتند، خدمت امام رسیده بودند مرحوم آیت الله افتخاری در یادداشت‌هایش نوشته که امام به آیت الله فاضل و به ما در آن جلسه تأکید کردند روی اجتهاد جواهری، فرمودند اگر اجتهاد جواهری از بین رفت انقلاب آسیب می‌بیند، چرا؟ چون انقلاب ما دینی است، اجتهاد جواهری از بین برود دین از بین می‌رود، دیگر شما در صد سال آینده متدین نخواهید داشت. اگر این روش اجتهادی از بین برود.

البته نظرات حتی بعضی از مبانی فقهی و اصولی قابل مناقشه است و این کار هر روز بزرگان حوزه است ولی اگر این اساس را بهم بزنیم بگوئیم اینها را کنار بگذاریم، اولاً راه دیگری جز خیال نیست، همه‌اش خیال است، حقیقت همین است. اگر این را کنار گذاشتیم صد سال آینده نه رساله‌ای وجود دارد و نه مجتهدی وجود دارد و نه مبیین دینی وجود دارد و نه مفسری وجود دارد و نه متکلم واقعی وجود دارد، کسی نیست از عقاید اسلام دفاع کند. اُنْ لَا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ می‌گوئیم این هم مربوط به شرایط خاصی

است و زمانش تمام شد.

لذا خیلی مراقب باشید، البته خدا نکند انسان در حرف زدن بخواهد حب و بغضی را در نظر بگیرد و واقعاً من نسبت به هیچ کسی سر سوزنی حب و بغض شخصی والله ندارم! کاری با افراد نداریم ولی دلمان می‌سوزد که اینطوری حرفها را مطرح می‌کنند پخش می‌کنند و فکر عاقبتش را نمی‌کنند. می‌گویند اینها که این اصول را 20 سال می‌گویند باید جواب خدا را بدهند که وقت طلبه‌ها را تلف کردند، تو که می‌خواهی یک عمری تا قیامت مردم را منحرف کنی جواب خدا را چه می‌دهی؟ تو با این حرفهای عمر نسل‌ها را منحرف می‌کنی، تو فکری برای جواب خدا کردی؟ من جواب خدا را قطعاً دارم و باید در وصیتنامه‌ام بنویسم که خدایا عذرخواهی می‌کنم از اینکه در فهم احکام تو کوتاهی کردم، تلاشم را دو برابر نکردم، این را باید گفت و با تمام وجود و افتخار ما این حرف را می‌زنیم. یعنی چه می‌گویند اینها جواب تضییع وقت طلبه‌ها را چه خواهند داد؟

درست کار کنیم روی مباحث فقهی، مباحث اصولی، مباحث تفسیری، الآن من دارم بعضی از آیات را تفسیر می‌کنم می‌بینم چقدر نکته ناگفته وجود دارد، بگویم وقت طلبه‌ها را نگیریم، بشویم اخباری مسلک، تفسیر را هم کنار بگذاریم، اینطور نیست. باید واقعاً همین راه را طی کنیم، تقویت کنیم، اگر مرد میدانید بیایید مبنای جدیدی که صدها فرع فقهی جدید بشود از آن درآورد، بیایید این شبهاتی که امروز مخالفین اسلام علیه اسلام مطرح کردند. باز بدتر، اصلاً تمام حرفهایش رنج‌آور است. می‌گویند با این اجتهاد نمی‌شود امروز جواب شبهات را داد، امام هم فرمودند اجتهاد مصطلح کافی نیست یعنی باید یک مجتهد موجود در حوزه آشنا باشد به ضرورت‌های زمان، اینها را هم باید بفهمد، اما امام که فرمودند کافی نیست یعنی همه این اجتهاد باطل است؟ باید یک مجتهدی به روز باشد، ضرورتها را بداند، موضوع شناسی کند، موضوعات را عمیق بررسی کند، ادله را با موضوعات جدید نگاه کند همه اینها درست است و چیزی است که اصلاً وظیفه همه ماست، اما بگوئیم اجتهاد مصطلح کافی نیست یعنی جواهر را کنار بگذاریم، رسائل را کنار بگذاریم، چه کار کنیم؟ چطور اجتهاد کنیم، اجتهاد را کنار می‌گذاریم!.

حوزه در این مسئله درست عمل نکرد، منظورم هم مسئولین حوزه است و هم اساتید حوزه است. من الآن در همین جمع خودمان عرض کردم حوزه خودش می‌داند و راه خودش را. البته من اطلاع دارم جلسات زیادی گذاشتند، تلاشهایی هم شد اما به نتیجه نرسید، واقعاً نمی‌شود گفت که اینها غافل بودند و بی‌اعتنا بودند، اینها هم ناراحتی من و شما را داشتند اما نتوانستند کاری کنند.

اساس فکر این مرکز فقهی که واقعاً از ابداعات مرحوم والد ماست و از ابتکارات بسیار خوب ایشان شد، و اگر امیدی باشد به مثل طلبه‌هایی است که در این مرکز و نظایر این مرکز است که بحمدالله متعدد شده امید به اینهاست. اینکه من عرض می‌کنم مسئولین حوزه هم در صحبت‌هایشان اقرار کردند.

مرحوم والد ما می‌فرمودند من در بحث خارج گاهی اوقات عبارت جواهر را می‌دیدم، مطرح می‌کردم، از بعضی از طلبه‌ها سؤال می‌کردم که به نظر شما این عبارت جواهر چیست؟ دیدم نیاز به این است که طلبه حتماً با عبارت جواهر کار کند، لذا ایشان لجنه‌هایی را اول ترتیب دادند، لجنه‌هایی بودند که بعضی از این آقایان هم که امروز معروفند و از ائمه جمعه‌اند یا مسئولیتی دارند در آن لجنه‌های اولیه بودند، کارشان این بود که روی جواهر کار کنند. بعد ما آمدم مسئله برنامه‌ریزی برای درس خارج، سطح و ... را تنظیم کردیم. جواهر یک کتاب بسیار متقن و محکمی است.

این حرف که این اجتهاد غلط است به این معناست که تمام تقلید مردم و طلبه‌ها از مراجع و رهبری معظم باطل است، لازمه‌ش این است و لذا همان اواخر یک سری از این طلبه‌های کم‌سواد را هم سوق داده بود به تقلید از کسی مثل خودش، اینها خیلی خطرناک است.

ما با تحول موافقیم، تحولی که رهبری فرمودند دنبالش بودیم و هستیم، اما تحول یعنی ما در همین چهارچوب اجتهاد استخراج کنیم یک مبنا، یک قاعده جدید که مشکلات مسائل روز را بتواند حل کند که این کار هم در بعضی موارد کردیم، بروند ببینند درسها و بحثها را، گاهی اوقات میگویند کجا و چی؟

این آیه شریفه «لا تاكلوا اموالكم بینكم بالباطل إلا أن تكون تجارة عن تراض» یک مبنا از همین استخراج کردیم، این مبنا را چطور توانستیم به دست بیاوریم؟ مکاسب را خواندیم، فهمیدیم، تدریسش کردیم، درس خارجش را گفتیم، حواشی را دیدیم، به این نتیجه رسیدیم. پیغام می دهند در کجاست؟ درسهای ما را ببینند پر از این مطالب است، به این نتیجه رسیدیم که در یک معامله ای لازم نیست اسمش بیع باشد، لازم نیست اسمش اجاره یا مضاربه باشد، شارع میگوید من معامله ای را درست می دانم که اکل مال به باطل نباشد تراضی هم باشد، دو تا معیار داده، حالا اینجا إلا استثنایش منقطع و متصل است، چه بحثهای عمیقی خود امام رضوان الله تعالی علیه دارد، ولی الآن میگوییم چرا بیمه صحیح است؟

من در مصاحبه ای راجع به بیمه همین مطلب را گفتم، میگویند بیمه چه عقدی است؟ بیع است مصلحه است؟ میگوئیم هیچ کدام از اینها نیست و اکل مال به باطل هم نیست، میگوید من اینقدر پول از تو میگیرم اگر آتش سوزی شد جبران می کنم، تجارة عن تراض است ولی لزومی ندارد که اسم داشته باشد.

یک فکر حاکم بر فقه ما این بود که حتماً باید عنوانی از این عناوین رایج باشد، یک فکر هم الآن این است که لازم نیست باشد، این در چهارچوب مباحث اجتهادی است و اشکالی ندارد، عرض ما این است که بیائید این تلاشها را کنید، من عرض کردم و الآن هم میگویم بسیاری از مسائل مستحدثه، همین مثالی که راجع به بیمه عرض کردم، کلیدش در حواشی مکاسب و کفایه موجود است، بسیاری از شبهات مربوط به زنان را با مبانی اصولی که در باب ملاکات احکام است، دائم میگویند کجا؟ نقل و نبات نیست که من بریزم برایتان بخورید، بروید این مباحث را ببینید، مرحوم حاج شیخ محمد حسین اصفهانی در حاشیه کفایه راجع به فرق میان ملاکات احکام عقلیه و احکام شرعیه دقایقی دارد که مسائل مستحدثه ما را حل می کند در ملاکات در باب احکام زن و مرد، هزاران سؤال در احکام زن و مرد هست این را چطور باید حل کرد؟ با همین می شود حل کرد. باز بگوئیم همه اینها زوائد و باطل است؟

من در یکی از صحبتها گفتم که امروز دوران شکوفایی حوزه هاست، با این فکرها بنا به تحول می خواهند دوران سقوط حوزه را شروع کنند، نتیجه اش سقوط حوزه، سقوط روحانیت و خدایی نکرده سقوط دین است، لوازمش را عرض کردم و تعجب است که چرا به این لوازم توجه نمی شود. لوازمش این است که تقلید باطل است، دین صبغه دیگری پیدا کند.

امروز هم ولادت با سعادت حضرت زینب (سلام الله علیها) است که همه ما همانطوری که مدیون امام حسین (علیه السلام) هستیم، مدیون حضرت زینب (سلام الله علیها) هستیم. امیدواریم با دعای این بی بی این حوزه های علمیه، این عظمت فقهی و اصولی هم إن شاء الله محفوظ بماند.

و صَلَّی اللّٰهُ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِینَ